

گذری تصویری بر چند رقصنده‌ی مدرن



نوشته‌ی زیر، گفتاری ست بسیار مختصر درباره‌ی تغییرات رقص معاصر یا رقص مدرن، یا به اصطلاح ضد رقص (Contra dance). مواردی که در زیر می‌آیند، تنها گوشه‌ی کوچکی از مشخصات تغییر یافته‌ی رقص هستند و مقدمه‌ای کوتاه برای سبک رقصی که موضوع تصاویر این مقاله است.

۱- تأکید بر پار/ همسایه در مقابل صحنه‌پردازی معمول: صحنه‌پردازی معمول در رقص‌ها، احساسی از رویارویی زنان یا مردان، از روبه‌رو می‌داد. صحنه‌پردازی نامعمول عبارت است از مجموعه‌ای از پارها در کنار هم (از جنس مخالف)؛ مانند همسایگان.

۲- همهی افراد فعال هستند: سطح انرژی و توانایی‌های جسمانی لازم در رقص بالاتر رفته است.

۳- صرف نظر کردن از «هیأت و ژست» به نفع «جریان»: روش‌های طراحی رقص امروزی، بر راه‌های سریع و پرنشاط داخل شدن و بیرون آمدن از حرکت تأکید می‌کنند. رقص‌های مدرنی که به جریان توجه دارند، در لحظه وجود دارند و سپس فراموش می‌شوند. این رقص‌ها دیگر از ژست‌های ثابت تشکیل نشده‌اند.

۴- عناصر مختلف (اما به هر حال هنوز بسیار محدود) طراحی رقص: خلاقیت بیشتر در استفاده از وسایل صحنه.

۵- تأکید بیشتر بر تحرک بدنی و کمتر بر حرکت یا موسیقی: رقصندگان امروزی تأکید بیشتری بر حرکت دارند تا به موسیقی. برای آنان حرکت با ضرباهنگ مهم‌تر است تا انجام دقیق یک رقص خاص.

و آخرین نکته این که در رقص‌های معاصر، رقصندگان مرد بیشتر از قبل شرکت می‌کنند و ماهیت رقص‌ها جشن‌تر و متراکم‌تر شده است.

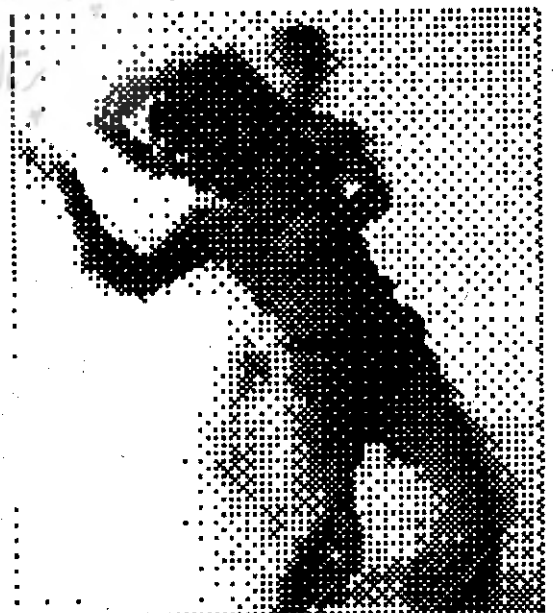


دیوید زامبرانو (David Zambrano):

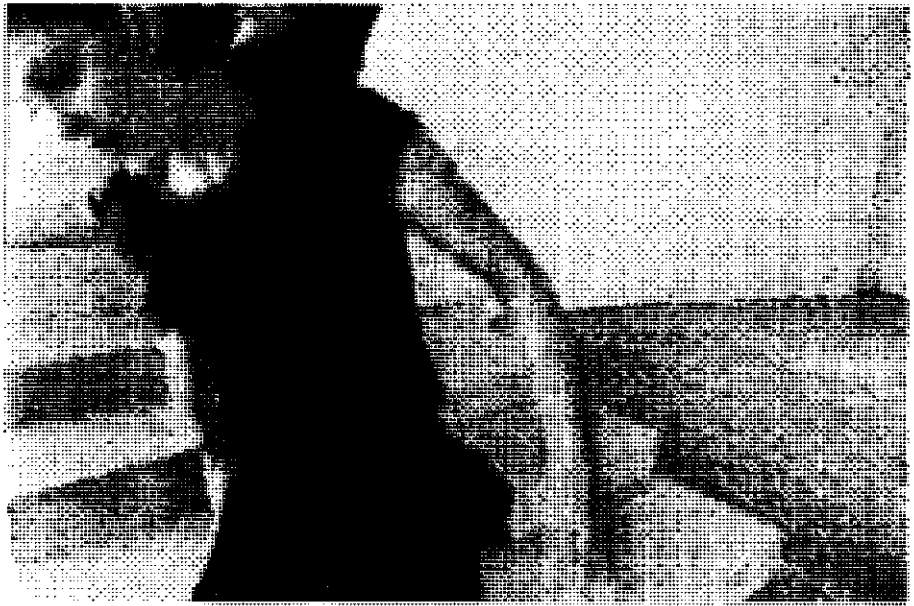
این رقصنده در اصل ونزوئلایی است و اکنون در آمستردام، بارسلون و نیویورک زندگی می‌کند. او طراحی رقص را به عنوان راهی برای پروردن بداهه پردازی می‌داند و همچنین به عنوان معلم و با هدف «تبادل فرهنگی» کار می‌کند. زامبرانو در بیش از ۲۰ کشور مختلف جهان اجرا داشته است. درباره‌ی او گفته‌اند: «زامبرانو با آگاهی و چالاکی شدید کسی می‌رقصد که هیچ دفاعی به جز چابکی و سرعت انتقال ندارد.»

سوزان براهام (Susan Braham):

هنگامی که سوزان براهام به عنوان یک رقصنده و طراح رقص کار می‌کرد، علاقه‌اش به ساختار بدن جلب شد. او با دانش و فهم خود، از پتانسیل حرکتی بدن استفاده کرد و به عنوان تعلیم‌دهنده‌ی یوگا و درمان‌کننده با ماساژ، مشغول به کار است. کار او شامل تنظیم حرکات بدن، تمرین‌های آگاهی از بدن، ماساژهای آرامش‌دهنده و از همه مهم‌تر افزایش بازدهی تنفس است.



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 نشریات جامع علوم انسانی



صدای خوک - است. او در مناطق
مختلف آمریکا، از جمله آرگون
(Oregon)، تنسی (Tennessee)
و ... اجرا داشته است.

این است بدن من و این چیزی است
که می دانم دنیا از من انتظار داشته
است.

:David Zambrano

هنگامی که می رقصم، خودم را
بدنی سرشار از ماده ای مبهم می یابم،
چیزی که آن را انرژی می نامم. احساس
می کنم که قادرم به این انرژی شکل
بدهم و آن را به صورت چیزی، به
آشکاری حرکت درآورم. این عکس ها
تأکیدی بر احساس من هستند.

:Susan Braham

معلوم نیست که چه چیزی باعث
شکوفایی این رقص شد یا آن را هدایت
کرد. رقصندگان، مشتاق به
شریک شدن در رقص، و تبدیل آن به
یک صدای مشترک هستند. آنها رقص
خود را با گوش کردن با آگاهی شان از
دیگران و ترکیب کلی موقعیت انتخاب
می کنند. ما آرزو می کنیم که بتوانیم
بعضی از راه های ارتباطی را نشان
بدهیم. ما آرزو داریم که به درون
ناشناخته ها قدم بگذاریم؛ حضور داشتن
و آرزوی خطر کردن.



جان جاسپرس (John Jasperse):

این رقصنده ی آمریکایی، در
نیویورک زندگی می کند. تمرکز کار وی
بر رقص معاصر و چندفرهنگی است.
طراحی های رقص خلاقانه و ابداع های
باجرأت ترین و جذاب ترین طراحان
رقص صحنه های معاصر بدانند. او
تصاویر تکان دهنده را با صحنه پردازی و
طراحی های لباس معمول ترکیب کرده،
اجرا را به سطحی دیگر می رساند. وی
تا به حال در آمریکا، برزیل، مکزیک،
ژاپن و اروپا برنامه اجرا کرده و جوایزی
نیز دریافت کرده است.

لیندا اومتین (Linda Austin):

این رقصنده ی آمریکایی، در ابتدا
در زمینه ی تئاتر فعالیت می کرد. او
تقریباً ۳۰ ساله بود که خلق آثار رقص و
طراحی های رقص را شروع کرد. بیشتر
رقص های او همراه با موسیقی بکر
است. کارهای او شامل حرکات پیچیده
و قوی، وسایل صحنه ی عجیب - مثلاً
چراغی که در طول صحنه حرکت داده
می شود - و صداهای عجیب - مثل تقلید

قفس های پرنده ی براق ، هم به عنوان
عناصر صحنه ای و هم به عنوان وسایل
برهم کنش صحنه ای استفاده می شوند .
:David Zambrano

رقصیدن بهترین وسیله ای ست که
من در این زندگی یافته و برگزیده ام ، تا
با بهترین دنیای درونم و دنیای بیرون
ارتباط برقرار کنم . از این طریق من خود
را می شناسم .



:Susan Braham

آفریدن رقص و اجرای آن برای من
بخش لازمی از زندگی است .
عرصه ای ست که من اسرار زندگی را
کشف و ترکیب می کنم . به نظر پیش پا
افتاده می آید ، ولی این مستقیم ترین و
قدرتمندترین روش من برای شناخت
خود است .

:Susan Braham

قدرت و صراحتی وجود دارد که از
بودن در بدن حاصل می شود . کار یا
مجردات به جای قطعیات . باز کردن راه
برای درك خلاق و برای ناظر ، تا بخشی
از خودمان که معمولاً به وسیله ی
عقلانی بودن و روزمرگی زندگی پر
می شود ، به دست آید .

:John Jasperse

ساکن ولی در حرکت - انگار
عروسکی ست که از پله ها پرتاب شده
است .

عناصر دیداری ، سطحی دیگر به
اجرا اضافه می کنند . اشیا و مواد مثل
گرد و غبار ، آب ، سنگ ها ، یک چراغ
پایه بلند ، یک قالیچه ی پوست یا

